

The Virtue of Courage in the Qur'anic Thought of Ayatollah Khamenei (Characteristics, Causes, and Types)

Zahra Sadat Kabiri¹, Hasan Hasanzadeh²

¹ Department of Islamic Studies, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). zahrasadatkabiri@gmail.com

² Department of Islamic Studies, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. hassanzadehasan@gmail.com

Abstract

The central question of the present study is what components and characteristics courage possesses in the Qur'anic thought of Ayatollah Khamenei, what factors and conditions lead to its emergence and strengthening, and what kinds and forms of courage exist from his perspective. Based on the Qur'anic thought of the Supreme Leader, complete and sound courage at both the individual and social levels is accompanied by attributes such as rationality and wisdom, insight and proper understanding, self-awareness and accurate recognition of strengths and weaknesses, as well as faith in Almighty God. Without these characteristics, courage cannot be complete or authentic. Some of the influential factors in creating and reinforcing courage in his Qur'anic perspective include belief in divine assistance, trust in God, and adherence to the Islamic law (*Sharia*). According to his Qur'anic viewpoint, courage manifests in various forms and is not limited to the battlefield. Among the types of courage are moral courage in the pursuit of justice, courage in taking action, courage in patience, and courage in understanding.

Keywords: Qur'anic Thought, Courage, Ayatollah Khamenei, Patience, Justice.

Received: 2023/11/24 ; **Revision:** 2024/01/12 ; **Accepted:** 2024/02/10 ; **Published online:** 2024/04/08

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors



فضیلت شجاعت در اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای (ویژگی‌ها، علل و گونه‌ها)

زهرا سادات کبیری^۱، حسن حسن‌زاده^۲

^۱ گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

zahasadatkabiri@gmail.com

^۲ گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. hassanzadehasan@gmail.com

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که شجاعت در اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای چه مولفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد و چه عوامل و زمینه‌هایی موجب پیدایش و تقویت آن می‌گردد و گونه‌ها و انواع شجاعت از دیدگاه ایشان کدامند. با توجه به اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری، شجاعت کامل و صحیح در سطوح فردی و اجتماعی همراه با ویژگی‌هایی مانند تعقل و خردورزی، بصیرت و بینش صحیح، خودآگاهی و شناخت صحیح از ضعف‌ها و قوت‌ها و نیز ایمان به خدای متعال است. بدون این ویژگی‌ها شجاعت، کامل و صحیح نخواهد بود. برخی عوامل موثر در ایجاد و تقویت شجاعت در اندیشه قرآنی ایشان عبارتند از: باورمندی به یاری الهی، توکل به خدا و شریعت اسلام. با توجه به اندیشه‌های قرآنی ایشان، شجاعت گونه‌هایی دارد؛ یعنی شجاعت فقط در میدان نبرد خلاصه نمی‌شود. از انواع شجاعت می‌توان شجاعت در عدالت، شجاعت در اقدام، شجاعت در صبر و شجاعت در فهم را نام برد.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌های قرآنی، شجاعت، آیت‌الله خامنه‌ای، صبر، عدالت.

۱. مقدمه

شجاعت که در فارسی از آن به دلیری یاد می‌شود، منشأ بسیاری از دستاوردهای اجتماعی است. نه تنها در میدان جنگ که شاید مهم‌ترین عرصه ظهور و بروز شجاعت است، بلکه در سایر عرصه‌ها نظیر سیاست و آیین حکومت‌داری، حضور در اجتماع و حتی در مباحث علمی نیز عنصر شجاعت نقش حساس و کلیدی دارد. تأثیرگذاری این خصلت و خصیصه در زندگی فردی و اجتماعی ملت‌ها تا آنجا است که حتی می‌توان گفت در کنار زبان، نژاد و مذهب، این زندگی شجاعان است که هویت فرهنگی ملتی را شکل داده و حتی تغییر می‌دهد و نهایتاً عنصر شجاعت زنان و مردان تاریخی هر قوم و ملتی، بنیاد هویتی آن قوم و ملت و اجتماع را نشان می‌دهد. امامت و رهبری جامعه اسلامی، همواره با دشمنی و کینه‌توزی‌ها در داخل و خارج روبه‌رو بوده و مقابله با این دشمنان با شجاعت و رشادت و دلیری امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، حاکم جامعه نمی‌تواند مجری دین و قانون اسلامی و همچنین، مدافع حقوق و منافع مردم و کشور شود. لذا، مسئله شجاعت برای جامعه مسلمین به‌ویژه برای سپاهیان اسلام و مسئولین و رهبری از چنان اهمیتی برخوردار است که در علوم دینی مانند کلام اسلامی بیان می‌شود که بدون صفت شجاعت، امام از عهده انجام وظایف امامت برنمی‌آید (طوسی، ۱۴۰۵، ص ۴۲۰). قرآن کریم یکی از اساسی‌ترین پایگاه‌های شجاعت بوده و مملو و سرشار از آیاتی است که امید به امدادهای غیبی و یاری پروردگار را در قلب مؤمنین روشن می‌کند: «او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فروفرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خدا است و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است» (فتح، ۴). همچنین، شناخت عوامل شجاعت و گونه‌های آن برای تحقق و ثبات این فضیلت در فرد و جامعه بسیار مهم است و کمک می‌کند که در حوزه‌ها و عرصه‌های مختلف آن ظهور یابد و فقط مخصوص به میدان جنگ نباشد: «هر کشوری، هر جامعه‌ای حوادثی دارد؛ این حوادث بعضاً حوادث تلخ، بعضاً حوادث خوب است ... نوع مواجهه با این حوادث خیلی مهم است که چه‌جور با این حوادث مواجه بشویم. مثلاً یک‌وقت انسان وارد میدان می‌شود اما می‌ترسد ... این یک‌جور عکس‌العمل و واکنش و حضور در مقابل دشمن است. یک‌وقت با دلیری وارد می‌شود، در روایات دارد «خُضِّ الغِمَرَاتِ لِلْحَقِّ»؛ وارد میدان می‌شود با دلیری، با شجاعت؛ این هم یک‌جور دیگر برخورد است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳). مسئله اصلی در این پژوهش، شناخت ویژگی‌های فضیلت شجاعت و نیز عوامل و گونه‌های آن در اندیشه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب می‌باشد. ایشان در کلام و سخنان خود بارها به آیات الهی در فضیلت شجاعت و عوامل آن استناد نموده‌اند و در سخنان بسیاری نیز به‌صورت غیرمستقیم، یعنی به‌طور استنباطی و استنتاجی از قرآن کریم بهره گرفته‌اند و در سیره

عملی خود نیز، این فضیلت را با استعانت به ایمان و فهم درست آیات قرآن نمایان ساخته‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد فضیلت شجاعت، کتاب‌ها و مقالات متعددی به‌ویژه در حوزه اخلاق، فلسفه اخلاق، عرفان و یا روانشناسی نگاشته شده است. مانند کتاب‌های «اخلاق نیکوماخوس» از ارسطو؛ «اخلاق و راه سعادت» نوشته ابن مسکویه؛ «کاوشی نو در اخلاق اسلامی» از حسین مظاهری؛ «رسالت اخلاق در تکامل انسان» نوشته مجتبی موسوی‌لاری؛ «پنج رساله شجاعت، دوستی و...» از افلاطون؛ «پارسایی و شجاعت امام علی(ع)» نوشته احمد صادقی اردستانی. مقالاتی نظیر «ارائه الگوی توسعه شجاعت اخلاقی کارکنان» نوشته نورالله پاک‌نژاد و دیگران؛ «بررسی تطبیقی شجاعت در منابع اسلامی و روانشناسی مثبت» مصطفی خوشخرام رودمعجنی؛ مقالات «تطبیق معنایی شجاعت در قرآن و فرهنگ جاهلی» نوشته رمضان رضائی؛ «مبانی رهبری در اسلام، نقش زهد، شجاعت، و صداقت در رهبری» نوشته محمد محمدی ری‌شهری؛ «تحلیلی توحیدی از مفهوم و مراتب فضیلت شجاعت در اخلاق عرفانی» نوشته محمد مهدی ولی‌زاده و حسن سعیدی؛ «تبیین مفهوم شجاعت در شاهنامه فردوسی و ارائه راهکارهای آن برای تربیت حماسی کودکان» نوشته محسن خوشناموند و دیگران؛ «راز سرزندگی؛ تکنیک‌هایی برای ارتقای توانمندی منشی و شخصیتی» نوشته منیژه نسیمی؛ «بررسی مفهوم مثبت و مقابل خشم در روایات (بررسی مفاهیم حلم، صبر و شجاعت در ارتباط با خشم)» نوشته آزاده جوادنژاد؛ «جست‌وجوی مطلوب‌های اخلاقی افلاطون و بررسی غایت آنها» نوشته کاظم طیبی‌فرد و اصغر زارع کهنمونی». با توجه به پیشینه پژوهش، تحقیق مستقلی در مورد علل، ویژگی‌ها و گونه‌های شجاعت کامل و صحیح با توجه به قرآن به‌ویژه در اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله خامنه‌ای یافت نشد.

۳. کلیات و مفاهیم

در این بخش به بررسی مفهوم و معنای شجاعت پرداخته می‌شود.

۳-۱. مفهوم‌شناسی و تبیین واژه شجاعت

در «فرهنگ‌نامه دهخدا» در مورد واژه «شجاعت» چنین آمده است: شجاعت، صفتی است از صفات اربعه جمیله که حد وسط است بین تهوّر و جبن، دلاوری، دل‌داری، دلیری. قوتی است متوسط میان جبن و تهوّر (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۷۸۵). بنابراین، جبن و تهوّر جزء صفات مذموم است و فضیلت محسوب نمی‌شود (آزیر و همکاران، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۰۰؛ امین و ابن مسکویه، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۸۷). نفیسی نیز می‌نویسد: شجاعت مأخوذ از تازی، بهادری و دلاوری و جرئت و دلیری و پردلی و تهوّر است

(نفیسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۰۱۳).

۲-۳. معنای اصطلاحی شجاعت

فیلسوفان اخلاق، شجاعت را یکی از اصول چهارگانه فضایل اخلاقی دانسته‌اند (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت). گروهی از فلاسفه قدیم که از بنیان‌گذاران علم اخلاق محسوب می‌شوند به سرمدمداری «سقراط حکیم»، برای اخلاق، اصول چهارگانه قائل بودند و به تعبیر دیگر، فضائل اخلاقی را در چهار اصل خلاصه کرده‌اند: حکمت، عفت، شجاعت، عدالت (ارسطو و لطفی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۸-۷۸). بسیاری از دانشمندان اسلام که درباره علم اخلاق کتاب نوشته‌اند یا بحث‌هایی داشته‌اند، این اصول چهارگانه را پذیرفته‌اند. سجادی می‌نویسد: از حد اعتدال شجاعت که همان عفت است، خلق، کرم، نج‌دست، شهامت، حلم، ثبات، کظم غیظ، وقار و غیره منشعب می‌گردد. از طرف افراط، کبر و عجب و از طرف تفریط، مهابت، ذلت، خساست، ضعف، حمیت، عدم غیرت و حقارت نفس منشعب می‌گردد (سجادی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۹). امام خمینی نیز حکمت را فضیلت نفس ناطقه ممیزه دانسته‌اند و شجاعت را که حد وسط بین تهور و جبن است از فضایل نفس غضبیه و عفت را از فضایل نفس شهویه و عدالت را تعدیل فضائل ثلاث شمرده‌اند (مرتضوی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۶۸۶۶). بنابراین، اعتدال قوه غضب، شجاعت نامیده می‌شود. قوه غضب را باید در زمان خاص خود استفاده کرد. هنگامی که آدمی برای رضای خدای سبحان خشمگین می‌شود، اعتدال این قوه و همان شجاعت است. خشم همیشگی و یا بی‌موقع و عدم ملاطفت با مردم، افراط در غضب است که تهور نامیده می‌شود. در مقابل چنین افرادی، اشخاصی را می‌توان یافت که هیچ‌گاه خشم نمی‌گیرند؛ تا جایی که در گرفتن حق خود نیز کوتاهی نموده و ناتوانند. این عمل، تفریط در قوه است و آن را جبن می‌نامند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۳۶).

۴. شجاعت رهبری در بیان خود و دیگران

در خاطرات آیت‌الله علی آل‌اسحاق آمده است: یک‌بار در زمان شاه [وقتی آیت‌الله خامنه‌ای در تبعید در سیستان بودند] ایشان را دستگیر کرده و از ایشان می‌پرسند: ارتجاع چیست؟ مرتجع کیست؟ ایشان در جواب، ارتجاع را در معنی لغوی «عقب‌گرد کردن» و در اصطلاح به معنای «عقب‌گرد کردن در مسائل سیاسی و اقتصادی» معنا کرده بودند و مرتجع واقعی در ایران را شاه معرفی کرده بودند؛ به‌خاطر اینکه کشور را از نظر سیاست، در وضعیت عقب‌نگه داشته است. سپس، ایشان را به شکنجه‌گاه تهران فرستاده بودند. بعد از مدتی، دوباره ثابتی [از مقامات ارشد ساواک]، همان سؤال‌ها را از ایشان پرسیده و ایشان هم گفته بود که در زاهدان به این سؤالات پاسخ دادم. ... بعد از بهبودی که از او سؤال می‌کنند، ایشان

می‌گویند: «در زاهدان جواب داده‌ام». دوباره از او می‌پرسند: «نمی‌شود، باید مفصل پاسخ دهی» و ایشان دوباره همان پاسخ را می‌دهد و شاه را مرتجع می‌خواند. من فریفته این شجاعت ایشان شده بودم. وقتی به زاهدان آمدند، گفتیم: آقا شما عجب جوابی به ساواکی‌ها داده‌اید (شمسا و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶). مقام معظم رهبری خود نیز خاطره‌ای را نقل کردند: این خاطره را بارها نقل کرده‌ام که در یکی از مجامع بین‌المللی که نطق پرشوری در آنجا علیه تسلط قدرت‌ها و نظام سلطه در دنیا ایراد کردم و آمریکا و شوروی را در حضور بیش از صد هیأت نمایندگی و رؤسای دولت‌ها، به نام کوبیدم و محکوم کردم؛ بعد از آن نطق، عده زیادی آمدند تحسین و تصدیق کردند و گفتند: همین سخن شما درست است. یکی از سران کشورها که یک جوان انقلابی بود - و البته بعد هم او را کشتند - نزد من آمد و گفت: همه حرف‌های شما درست است، منتها من به شما بگویم که به خودتان نگاه نکنید که از آمریکا نمی‌ترسید؛ همه اینهایی که در اینجا نشسته‌اند، از آمریکا می‌ترسند! بعد سرش را نزدیک من آورد و گفت: من هم از آمریکا می‌ترسم.^۱

۵. ویژگی‌های لازم برای ایجاد و ثبات شجاعت

مقام معظم رهبری مصداق شجاعت کامل و مطلق را امیرالمؤمنین (ع) می‌داند و تصریح می‌کنند که حضرت علی (ع) مظهر عدالت، شجاعت، تدبیر، انصاف، رعایت حقوق انسان و مظهر عبودیت در مقابل پروردگار بود.^۲ شجاعت حقیقی و صحیح که نشانه کمال و قوت روح و قلب است ویژگی‌هایی به همراه دارد که ملکه نفسانی انبیاء و اولیاء الهی و صاحبان ایمان قوی و روح متعالی است. فضیلت شجاعت در قرآن کریم چنان اهمیت دارد که خداوند متعال در مورد پیامبر و یارانش می‌فرماید: «محمد فرستاده خدا است و کسانی که با اویند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند» (فتح، ۲۹). این فضیلت باید همراه با ویژگی‌هایی باشد و بدون آنها، اغلب بی‌ثبات، ناقص، نادرست و ناتمام عمل خواهد کرد. با توجه به اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری می‌توان ویژگی‌های شجاعت صحیح را چنین برشمرد:

۵-۱. ایمان به خدا

در متون دینی، همواره بین ایمان و عمل، رابطه مستقیم و دوطرفه مطرح شده است؛ یعنی هرچه عمل صالح بیشتر باشد، ایمان بیشتر می‌شود و بالعکس. در مورد فضیلت شجاعت و اعمال شجاعانه هم این قاعده صدق می‌کند. لذا، هرچه ایمان و توکل بیشتر شود؛ فضیلت شجاعت بیشتر شده و اعمال شجاعانه

1. <https://www.khabaronline.ir/news>

2. <https://khl.ink/f/1427>

هم افزایش می‌یابد و از طرفی، هرچه شجاعت بیشتر شود؛ بر ایمان فرد نیز افزوده می‌گردد. کسانی که خداوند را پروردگاری قدرتمند می‌دانند و همه هستی را از آن او، به‌طور طبیعی خود را در سیطره امدادهای خداوند می‌بینند. لذا، باور به امداد و یاری الهی دلیل محکم شدن دل‌ها و نه‌راسیدن از انبوه دشمنان می‌شود. ایمان به خدا، توجه به قیامت و عقیده به معاد و بازگشت به‌سوی خدا، خوف از خدا در کنار توکل بر او که در جای‌جای قرآن کریم به آن اشاره شده، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌هایی است که باید همراه شجاعت صحیح و الهی باشد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: همانا شما گفتید: پروردگار ما خدا است، پس در عمل به دستورات قرآن خدا، و در ادامه راهی که فرمان داد، و بر روش درست پرستش بندگان او، استقامت داشته باشید، و پایدار مانید، و از دستورات خدا سرپیچی نکنید، و در آن بدعت‌گزار مباشید، و از آن منحرف نگردید؛ زیرا خارج‌شوندگان از دستورات الهی در روز قیامت از رحمت خدا دورند (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «امام بزرگوار با آن قدرتی که خدای متعال به او داده بود، به‌خاطر توکل و تقوایی که داشت، به‌خاطر دلدادگی به هدف که در آن بزرگوار بارز و آشکار بود، خدای متعال در او هیبت قرار داد؛ به‌طوری که دیگران می‌ترسیدند. دشمنان از امام به‌معنای واقعی کلمه مرعوب بودند؛ «كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَفِرَّةٌ * فَزَتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» (مدثر، ۵۰-۵۱). مثل فریاد شیریه که می‌ترساند حیوان‌ها را، فریاد امام و نوای امام اینها را می‌ترساند، مرعوب می‌شدند. خب، اینها در این مرحله شکست خوردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶). در بیان دیگری با توجه به سوره مائده آیه ۲۳ به‌صراحت، علت انگیزه، غلبه و پیروزی مسلمانان شجاع بر کفار و دشمنان اسلام را ایمان به خدا و علت شکست دشمنان را عدم ایمان به خدا می‌دانند: «وقتی ... وارد میدان مواجهه شدید، غلبه با شما است، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه عمیق معنوی ندارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۰/۱۹).

۲-۵. تعقل، تدبیر و بصیرت

شجاعت بدون تدبیر و فکر، افسوس و پشیمانی و خرابکاری به‌همراه دارد. لذا، فرد شجاع اگر تدبیر و بصیرت لازم را نداشته باشد؛ همواره در اقدامات خود دچار خسران و مشکلات متعدد خواهد شد. با توجه به آیات الهی نیز علاوه بر ایمان و توکل، خرد و اندیشه درست در کنار شجاعت، بسیار کارساز است؛ یعنی شجاعت بدون خرد و بصیرت، ناقص و ناکارآمد است. لذا، مسلمانان آگاه و با ایمان، که صد تن بودند، در میدان نبرد با دویست تن مبارزه می‌کردند و بر آنها پیروز می‌شدند (اتابکی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۸۱). مقام معظم رهبری بیان می‌کنند که بعضی شجاعت دارند؛ اما تدبیر و عقل لازم برای به‌کار بردن

این شجاعت را ندارند: «اگر شجاع باشیم، اما ندانیم وظیفه چیست، ندانیم موقعیت کدام است و بصیرت نداشته باشیم تقوا و شجاعت و بقیه خصوصیات مثبت، اثر خودش را نمی‌گذارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۶/۱۶). رهبر معظم انقلاب در بیانات خود می‌فرمایند: «هرجایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت- و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فاذا دخلتموه فانکم غالبون» (مانده، ۲۳)» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۰/۱۹). ایشان اذعان می‌دارند که پیامبر اسلام (ص) نیز با بصیرت حرکت کردند؛ لذا، تابعان او هم باید با بصیرت حرکت کنند: «... آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. ... یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک‌وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

۳-۵. خودآگاهی

شناخت خود و استعدادها و توانمندی‌ها همواره باعث اعتماد به نفس و عزت آن خواهد شد. در علم روانشناسی در مورد شجاعت روان‌شناختی گفته می‌شود که شجاعت، فضیلت اصلی جهانی است که می‌تواند سایر توانایی‌های شخصیتی را (مانند عشق، صداقت، پشتکار و بخشش و...) آشکار سازد. لذا، بیان توانایی‌های شخصی فرد و آگاهی‌دادن به او بسیار حائز اهمیت است و فرد با درک درست معنا و هدف زندگی و دیگر آگاهی‌های لازم، دارای سلامت روان خواهد شد و می‌تواند به مرحله‌ای از رشد شخصیتی برسد که بر موانع غلبه کند (فاضل، ۱۳۹۶، ص ۸۹-۱۰۹). کسی که از خودآگاهی ضعیف برخوردار است دچار جبن و ترس نسبت به دشمن می‌شود و نمی‌تواند شجاعانه و قاطعانه عمل کند. لذا، ملت و بالأخص مسئولین باید واجد خودآگاهی لازم باشند؛ تا در مقام عمل و دفاع از کشور دچار تزلزل نشوند. رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرمایند: «سه خصوصیت در مسئولان کشور لازم است که اگر این سه خصوصیت در آنها وجود داشت، آن‌گاه این نیروی عظیم ملی می‌تواند جلوی هرگونه خباثت و دشمنی

دشمنان را بگیرد. این سه خصوصیت، تقوا و شجاعت و خودآگاهی است. مسئولان باید آگاه باشند و بفهمند پیرامون آنها چه می‌گذرد. والا اگر مسئولان و مدیران کشور، نمایندگان مردم، مؤثرین در دستگاه قضایی و دیگر جاها، آدم‌های خوبی باشند، باتقوا باشند و شجاعت هم داشته باشند؛ اما ندانند امروز صفت‌بندی دنیا کجا است و دشمن کجا نشسته است و از کجا حمله می‌کند، ضربه خواهند خورد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹). امیرالمؤمنین (ع) که مظهر شجاعت هستند، به‌خاطر خودآگاهی و شناختی که از خود داشتند با سخنان دیگران متزلزل و فریفته نمی‌شدند: «روزی که خلافت به من رسید در قرآن نظر افکندم، هر دستوری که داده، و هر فرمانی که فرموده پیروی کردم، به راه و رسم پیامبر اقتدا کردم. پس هیچ نیازی به حکم و رأی شما و دیگران ندارم. هنوز چیزی پیش نیامده که حکم آن را ندانم، و نیاز به مشورت شما و دیگر برادران مسلمان داشته باشم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۵).

۴-۵. پرهیزکاری

پرهیزکاری، یکی از ویژگی‌های بسیار مهمی است که همواره باید انسان شجاع بر آن مراقبت و مواظبت نماید؛ چراکه اگر شخصی شجاع باشد ولی پرهیزکار نباشد، براساس امیال و هوای نفس خود عمل می‌کند و اگر قدرت و قاطعیت نیز داشته باشد، بدون تقوا منشأ ظلم‌های بسیاری خواهد شد. چنانچه در ذکر یکی از ویژگی‌های متقین و پرهیزکاران، کظم غیظ را مطرح می‌کنند و بیان شده که اگر کسی در مقامی قرار گرفت که شجاعت لازم برای اقدام را داشت، اما دچار خشم و غیظ نسبت به جریانی شد و پرهیزکار نبود، بسیار مشکل‌زا و خطرناک است: «کظم غیظ خیلی فضیلت دارد؛ «و الکاظمین الغیظ والعافین عن الناس» (آل‌عمران، ۱۳۴). یک‌وقت هم هست که شما یک مسئول اجتماعی هستید، جایگاهی دارید؛ حرکت شما، اثبات و نفی شما، قول و فعل شما در جامعه اثر می‌گذارد. در یک چنین شرایطی، خشم شما دیگر با خشم یک آدم معمولی برابر نیست. علیه کسانی، علیه جریانی خشمگین می‌شویم و حرفی می‌زنیم؛ آثار اینچنین خشمی با آثار یک خشم معمولی که حالا انسان بر فرض خشمگین می‌شود و یک نفر را کتک می‌زند، خیلی متفاوت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶). ایشان بیان می‌کنند مسئولی که به مجلس می‌رود یا هر مسئولیت دیگری در نظام را به‌عهده می‌گیرد، باید علاوه‌بر شجاعت، دارای تقوا (پرهیزکاری) باشد؛ زیرا اگر فاسد، بیگانه‌پرست و در خدمت طبقات مرفّه جامعه باشد، دیگر به درد مردم و طبقات محروم نمی‌خورد و مورد اعتماد نخواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۸)؛ از طرفی، پرهیزکاری نیز بدون شجاعت، ناقص است و شخص ترسو نمی‌تواند قاطعیت و قوت لازم را داشته باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «اگر تقوا (پرهیزکاری) نباشد، همه کارها خراب است.

وقتی تقوا (پرهیزکاری) بود، هر تصمیمی که انسان می‌گیرد و هر حرفی که می‌زند، برای مصلحت مردم و رضای خدا است. در این صورت، صراط مستقیم پیموده خواهد شد. وقتی تقوا (پرهیزکاری) نباشد، انسان از روی عصبانیت و کینه‌ورزی و طمع حرف می‌زند یا اقدام می‌کند یا دستور می‌دهد یا حکم می‌کند». ایشان در ادامه بیانات خود تقوای مسئولان را زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات صحیح و مؤثر ارزیابی می‌کنند و می‌افزایند: «شجاعت مسئولان، مکمل تقوای (پرهیزکاری) آنها است ... و هر ملتی که مسئولانش مرعوب شوند، بدبخت خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹).

۶. علل شجاعت در اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری

شجاعت و دلیری، علت‌ها و ریشه‌های مختلفی دارد. گرچه گاهی شجاعت می‌تواند ریشه طبیعی هم داشته باشد؛ اما می‌توان با شناخت علل دیگر، آن را در خود تقویت نمود و مهارت آن را کسب کرد. باورها و بینش‌ها و نگرش‌های انسان در شجاعت او بسیار مؤثرند و علت رفتار شجاعانه محسوب می‌شوند. با توجه به اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری، علل شجاعت عبارتند از:

۱-۶. باورمندی به لطف و یاری الهی

باور عمیق و یقین به خدا و لطف و رحمت او، صفات کمال و یاری حق تعالی در سخت‌ترین شرایط حتی در آنجا که ظاهراً به بن‌بست رسیده‌ایم، مایه قوت یافتن دل‌ها و نه‌راسیدن از انبوه دشمنان می‌شود و نه تنها از ویژگی‌هایی است که باید به همراه فضیلت شجاعت باشد و آن را کامل گرداند؛ می‌توان آن را علت و انگیزه بخش شجاعت نیز دانست. ایمان به خدا، توجه به قیامت و حسابرسی از سوی باری تعالی، اعتقاد و عقیده به آخرت و بازگشت به سوی خدا، ترس از خدا در کنار شناخت صحیح او که در بسیاری از آیات به آن اشاره شده است، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین علل و عوامل شجاعت شمرده می‌شود. مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی‌ها و بیانات متعدد خویش این مطلب را گوشزد کرده و به آن تأکید دارند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹). اگر ایمان [و باور عمیق] در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۳/۰۳). «سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت می‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴). ایشان در سخنرانی خود برای خانواده‌های شهداء علت شجاعت شهیدان و ایثارگران را باور قلبی عمیق و قوی آنها معرفی می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۳/۰۳). «در مواجهه با حوادث نباید دچار ترس و دلهره شد. «أَلَا إِنَّ

أُولِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲). این [آیه] در سوره یونس است؛ نگاه کردم، در سوره بقره [هم] شاید چهار پنج جا «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۶۲) در مورد مؤمنین آمده. خب این به‌خاطر ایمان [و باور عمیق] است، به‌خاطر ارتباط با خدا است، به‌خاطر قبول ولایت الهی است؛ خوف و مانند آن نباید باشد. حضرت امام واقعاً نمی‌ترسید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳). بنابراین، باور به حق و یاری او به انسان شجاعت می‌بخشد و همین‌طور، خیلی به قدرت‌های بشری و برنامه‌ریزی‌های آن باور ندارد. بنابراین، باور به حق و یاری او به انسان شجاعت می‌بخشد و لذا نباید به قدرت‌های بشری و برنامه‌ریزی‌های دقیق آن اطمینان صد در صد داشت؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرمایند: کسی که در عاقبت کارها بیش از اندازه فکر کند، شجاعت ندارد (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

۲-۶. توکل به خدا

توکل از ماده «و ك ل» در لغت به معنی عجز و ناتوانی است که همراه با اعتماد به غیر می‌باشد (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۰۸). بنابراین، توکل یکی از مهم‌ترین علل شجاعت و دلیری است؛ زیرا توکل‌کننده بر خدا کسی است که می‌داند خداوند عهده‌دار رزق و بقیه امور او است و فرد براساس چنین اعتقادی تنها به او اعتماد و تکیه می‌نماید. منظور از توکل، سپردن کارها به «الله» و اعتماد بر لطفش است و چون «توکل» به معنی انتخاب وکیل و اعتماد بر او است؛ هر قدر وکیل، توانایی بیشتر و آگاهی فزون‌تر داشته باشد، شخص موکل احساس آرامش و قدرت بیشتری دارد و از دشمنان قوی و حيله‌گر و خطرناک نمی‌هراسد، در سختی‌ها ناامید نمی‌شود و خود را در بن‌بست نمی‌بیند و حرکت خود را به‌سوی هدف ادامه می‌دهد. توکل باعث می‌شود هرگز احساس حقارت و کوچکی در مقابل دشمن نداشته باشد و به اتکای لطف و علم و قدرت بی‌پایان خداوند، خود را پیروز و فاتح می‌بیند و لذا، شکست‌های مقطعی، او را از پای در نمی‌آورد. اگر توکل در جان و روح انسان پیاده شود به‌یقین امیدآفرین، نیروبخش و باعث تقویت اراده و شجاعت و تحکیم مقاومت و ایستادگی است. علامه طباطبایی بیان می‌کنند که شخص متوکل، محکم و استوار است؛ لذا، با توکل بر او چه در ظاهر پیروز شود و چه شکست بخورد، وظیفه بندگی را به‌جا آورده و امثال امر نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۱۰). رهبر معظم انقلاب با توجه به آیات الهی و بینش و تفکر قرآنی‌شان بارها به این مهم اشاره کرده و توکل را منشأ شجاعت و قدرت و ایستادگی معرفی کردند: ایشان به آیه قرآن اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «بَا تَوَجَّهَ بِهِ خدای متعال (وَسَلُّوا اللّهَ مِنْ فَضْلِهِ)» (نساء، ۳۲)، «فضل خدا را بخواهید در همهٔ امورتان -در امور شخصی، در امور اجتماعی، در امور سیاسی، در امور بین‌المللی- و خدای متعال پاسخ خواهد داد» و در ادامه می‌افزایند: «وقتی شما اطمینان به فضل الهی و برکات الهی پیدا کردید، اولین خاصیتش این است که احساس قدرت می‌کنید،

احساس نیرومندی می‌کنید، ضعف و ترس و مانند اینها از شما دور می‌شود ... وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به نفس بود، اتکاء به قدرت الهی بود، آن وقت یک ملت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ حرکت، از لحاظ پیشرفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۵/۲۲).

«بنابراین با همین روحیه توکل بر خدا است که مؤمنین بر دشمن غلبه خواهند کرد؛ زیرا این برخورد، برخورد اراده‌ها است. این رویارویی، رویارویی اراده‌ها است؛ و اراده‌ها از آنها قوی‌تر است. ما علاوه بر اراده قوی، توکل به خدا را هم داریم.» «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ» (محمد، ۱۱). آنها مولا ندارند؛ ما متکی به اراده الهی هستیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴). امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «در همه کارها خود را به خدا بسپار؛ زیرا به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده‌ای که تو را از آسیب نجات می‌دهد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۳-۶. هراس از حق و نه‌راسیدن از غیرحق

ترس از خدا و عدم ترس از غیرخدا یکی از مهم‌ترین علل شجاعت انسان دلیر است. در قرآن کریم بارها این مطلب که جز از خدا یاری نطلبید و جز از او نترسید مطرح شده است. لذا، انسان شجاع که در لطف و رحمت و قدرت الهی، خود را می‌بیند و به وظایف و تکالیف خود همراه با تدبیر و بصیرت عمل می‌کند، از هیچ قدرتی جز قدرت حق نمی‌هراسد و جز به رضای او نمی‌اندیشد. ترس نیز انواع و مواردی دارد مانند ترس بر جان، ترس بر مال، ترس بر آبرو، ترس از سخن حق گفتن و ترس از انجام تکلیف و اگر انسان در اثر شناخت و معرفت درست، از خدا بترسد؛ قطعاً هیچ ترس دیگری بر او غلبه نخواهد کرد و شجاعت لازم برای هر عملی که در جهت رضایت الهی است را خواهد داشت. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «این قدرتمندان بیکار که نمی‌مانند؛ ایجاد اشکال می‌کنند، ضربه می‌زنند، از همه ابزارهایشان استفاده می‌کنند. پس باید «و لایخشون احدا الا الله» وجود داشته باشد؛ والا اگر از غیرخدا ترسی وجود داشت - به انواع و اقسامه، ترس هم یک‌جور نیست - راه دیگر منسد خواهد شد. یک‌وقت این است که انسان ترس از جانش دارد، یک‌وقت ترس بر مال دارد، یک‌وقت ترس بر آبرو دارد، یک‌وقت ترس از حرف و گفت این و آن دارد؛ اینها همه ترس است. این ترس‌ها را باید گذاشت کنار؛ «و لایخشون احدا الا الله». این، زحمت زیادی دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲). یکی از این افراد شجاع که مقام معظم رهبری نیز طبق بیانات خود، جذب ایشان شده بودند نواب صفوی بود که در زمان طاغوت به شهادت رسید. در مورد شهادت نواب نوشته شده است که وقتی او را به طرف چوبه تیر می‌بردند؛ در نهایت شجاعت به سرباز گفت، باز گفته‌های خودم را تأیید می‌کنم و هیچ ترسی نداشت ...

(احمدی میانجی، بی تا، ص ۱۳۲). مقام معظم رهبری در بیانات خود می‌فرماید: «بالآخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۱۷۳). جوابش همین است: «فَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». نتیجه‌اش هم این است: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ» (آل عمران، ۱۷۴). بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

۴-۶. شریعت اسلام

نقش دین در حیات معنوی و اخلاقی زندگی بشری بسیار واضح و روشن است. حال اگر این دین، کامل‌ترین معارف توحیدی و معنوی و اخلاقی را داشته باشد که ناظر به زندگی اخروی و بر محور آخرت است، نقشی پررنگ‌تر و اساسی‌تر در اخلاق و رفتار انسان‌ها ایفا خواهد نمود. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز می‌فرماید: علت مقاومت و پیروزی مسلمانان در منطقه و اینکه زیر چتر دولت‌های غربی و مستکبر نرفتند، تعالیم شریعت اسلام انقلابی است: «اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پابندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران می‌رفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان که دیگران رفتند ...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱). «اسلامی که امام به آن معتقد است، ضد استکبار است؛ یعنی ضد آمریکا است؛ ضد سلطه‌طلبی بیگانگان است، ضد دخالت بیگانگان و قدرت‌های بیگانه در امور داخلی کشور است؛ ضد زانو زدن در مقابل دشمن است. اسلام، ضد اشرافی‌گری است. اسلام، طرف‌دار محرومان است. اسلام، ضد اختلاف طبقاتی است، ضد فاصله‌های [بین] فقیر و غنی است» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴). از آنجا که اسلام، دین خرد و معرفت و شجاعت است، به همان میزان که به آگاهی و شناخت دقیق و عمیق مسائل تأکید دارد به مبارزه با مفسدان و جباران نیز تأکید می‌ورزد. لذا، اسلام ناب همیشه آماج دشمنی‌های توطئه‌گران و ظالمان و فاسدان تاریخ بوده است: «از همه طرق دارند استفاده می‌کنند که ایمان اسلامی ما را متزلزل کنند. ما یعنی چه کسی؟ ... خب، یکی از آن زمینه‌های اقتدار ما و زمینه‌های توانمندی ما، ایمان اسلامی ما است؛ این یکی از آماج دشمنی‌های آنها است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۲۵).

۷. گونه‌های شجاعت

شجاعت به معنای دوری از جبن و ترس است و چون ترس دارای انواع و گونه‌های مختلفی است،

بالتبع شجاعت هم گونه‌های مختلفی خواهد داشت. لذا، اقسام و گونه‌های مختلف و دسته‌بندی‌ها و مصادیق متنوعی را برای آن ذکر کرده‌اند که بعضی کلی و بعضی جزئی است. به‌عنوان مثال، شهید مطهری شجاعت را بر سه قسم جنگی و اخلاقی و عقلی و یا ادبی دسته‌بندی کرده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۶۷). گونه‌ها و مواردی که در این تحقیق ذکر می‌شود، با توجه به اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری است که از سخنان و یادداشت‌های ایشان استخراج شده است.

۱-۷. شجاعت در صبر

صبر، خویشتن‌داری یا بردباری، همان تحمل یا صبوری است و یکی از راه‌های مقاومت انسان در شرایط دشوار می‌باشد. صبر همان پایداری انسان در برابر موقعیت‌های تحریک یا تأخیر است؛ بدون آنکه باعث دلخوری یا خشم یا سایر راه‌های زشت و منفی شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «الْعَبْرُ أَفْوَ الصَّبْرُ شَجَاعَةٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۴). لذا، صبر به معنای سکون و سکوت نیست و از طرفی هر سکون و سکوتی هم نشانه بردباری و مقاومت نیست. فرد صبور، نه تن به ذلت می‌دهد و عقب می‌نشیند و نه جنگ بی حاصل و پرخسارت را به اسم شجاعت بر خود و دیگران تحمیل می‌کند؛ بلکه با آگاهی، واقعیت‌ها را می‌سنجد و با جست‌وجوی یک راه حل منطقی، به مدیریت موقعیت ناخوشایند، چه با جنگ و چه با صلح، می‌پردازد. بنابراین، صبر و بردباری و شجاعت همراه با آنها انواع مختلفی دارد و هر کدام از آنها ویژگی خاص خودش را دارد، مانند صبر در مقابل دشمن و تسلیم نشدن و... «برادران عزیز! هیچ کار بزرگی جز با فداکاری و صبر به دست نمی‌آید؛ هیچ هدفی جز با تلاش و مجاهدت به دست نمی‌آید. ... اما مردم در انقلاب ما -که مسلمانان را نیز به حرکت درآورد- به فضل پروردگار، عزت و شرف و پیشرفت دنیا را به دست آوردند؛ «و ما عند الله خیر و ابقى» (قصص، ۶۰)، روشنی چشم آنها، پیش خدا و در آخرت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). یکی از نکات مهمی که ایشان در مورد شجاعت در صبر و استقامت می‌فرمایند، این است که ایستادگی و مقاومت علت از بین رفتن خوف و ترس است: «ترس و اندوه دو آفت بزرگ است؛ این دو آفت با بشارت قرآنی برداشته می‌شود. همچنان‌که اگر مقاومت هم بکنیم، این دو آفت برداشته می‌شود. آن هم [بیان] آیه قرآن است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (فصلت، ۳۰)، مقاومت هم همین جور است. اگر می‌خواهید خوف نداشته باشید، حزن نداشته باشید، مقاومت و استقامت را سرمشق کار خودتان قرار بدهید؛ آن وقت خوف هم نخواهید داشت، حزن هم نخواهید داشت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۶/۳۱). بنابراین، باید در صبر در مشکلات و سختی‌ها شجاعت به خرج داد؛ زیرا عدم شجاعت در تحمل سختی‌ها انسان را به شکست و عقب‌نشینی و ذلت وامی‌دارد و برعکس، شجاعت در ایستادگی باعث عروج به قله‌های رفیع

کمال و انسانیت می‌شود: «لذا، در قرآن هم ملاحظه کنید «واصبر و ما صبرک الا بالله» (نحل، ۱۲۷) است. البته «واصبر» در قرآن زیاد است ... صبر که تمام نشد، معنایش این است که این سیر انسان به‌سوی همه قله‌ها هیچ وقفه‌ای پیدا نخواهد کرد ... آن‌کسی که زودتر صبرش تمام بشود، شکست می‌خورد؛ آن‌کسی که دیرتر صبر و مقاومتش تمام بشود، پیروز خواهد شد؛ چون با لحظه‌ای مواجه خواهد شد که طرف مقابل، صبر خودش را از دست داده. این مثال خیلی ظاهر و بارز عینی‌اش است؛ در همه میدان‌ها همین‌جور است ... اگر صبر تمام نشود، آن مانع، تمام خواهد شد. اینکه می‌فرماید «و انّ جندالله هم الغالبون» (صافات، ۱۷۳)، یعنی این. جندالله، حزب‌الله، بنده خدا، عبادالله، اینها با ارتباط و اتصالشان با آن منبع لایزال، در مقابل همه مشکلاتی که انسان ممکن است مغلوب آن مشکلات بشود، ایستادگی می‌کنند. وقتی ایستادگی این طرف وجود داشت، به‌طور طبیعی در آن طرف زوال وجود خواهد داشت؛ پس این بر او غلبه پیدا خواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹).

۲-۷. شجاعت در اقدام

شجاعت در اقدام، متفاوت و عام‌تر از شجاعت در جنگ است؛ زیرا انسان در طول زندگی خود و گذراندن آن، جدای از اجرای عدالت و یا عدم آن، باید بین گزینه‌های مختلف، انتخاب و اقدام کند. گاهی ترس از انجام کار بزرگ، او را عقب می‌اندازد و دچار پشیمانی و شکست می‌شود. بنابراین، «شجاعت عبارت است از ملکه اقدام لازم بر اموری که انسان باید خود را بدان وسیله برای تحمل ناگواری‌ها و رنج‌هایی که به او متوجه می‌شود، آماده سازد» (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳۳). کسی که ضعف قلب و روح دارد، جرأت بر عمل و اقدام ندارد؛ اما شخص شجاع، بعد از فهم اینکه انجام کار، صحیح است درنگ نمی‌کند و با قوت و قاطعیت، اقدام می‌نماید: «یک سفارش دیگر، شجاعت در اقدام است. گاهی اوقات بعضی از تشکّل‌ها می‌گویند: نکند این کار را بکنیم - مثلاً فرض کنید که - فلان آدم یا فلان دستگاه نگران بشوند، ناراحت بشوند یا فلان؛ نه، شما اقدامتان را انجام بدهید، منتها آن وقتی که فهمیدید این اقدام نادرست است، از همان‌جا متوقفش کنید، یعنی همان‌جا برگردانید راه را؛ یعنی در انجام کارها و اقدام [شجاعت داشته باشید]» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷). ایشان در صحبت‌های دیگرشان نیز بیان می‌دارند که با تزلزل و ترس‌ولرز نمی‌شود کارهای بزرگ انجام داد و به نتیجه رسید؛ لذا، باید بعد از بررسی‌های لازم، شجاعانه وارد میدان شد و اقدام نمود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹). بنابراین، شجاعت در عمل و ایجاد تحول را هم می‌توان زیرمجموعه‌ای از شجاعت در اقدام دانست. کسی که شجاع است و در مورد صحت کاری مطمئن شد، از اقدام برای تحول و تغییر هم نمی‌هراسد و ترس از مخالفان را به خود راه نمی‌دهد تا بتواند به موفقیت و کامیابی دست یابد: «یک شرط مهم برای ایجاد

تحول، نترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها است. خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید که «وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (احزاب، ۳۷). از مردم نباید بترسی؛ از حرف این و آن نباید بترسی. بالاخره هر اقدام مثبتی، هر کار مهمی ممکن است یک عده‌ای مخالف داشته باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۳/۱۴).

۳-۷. شجاعت در جنگ و جهاد

شجاعت، شدت و قوت قلب در سختی‌ها است؛ ولی باید توجه داشت که شدت قلب غیر از قساوت قلب است. شجاعت باعث انجام کار با قوت است؛ ولی قساوت این است که انسان، سنگ‌دل باشد و دلش به حال کسی نسوزد، اما شجاعت و دلیری چنین نیست. شجاعت در جنگ یعنی پر دل و سریع‌النقل و با جرأت بودن که به آسانی (بدون ترس و کندی) اقدام می‌کند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۹). لذا، شجاع در جنگ، کسی است که جرأت بر اقدام عملی پیدا کرده و شجاعانه در برابر دشمن ایستادگی می‌کند؛ زیرا می‌داند اگر جهاد با دشمن را ترک کند، جز ذلت و خواری چیزی نصیب او نمی‌شود. امام علی (ع) از شجاعت به جهاد تعبیر کرده؛ به دلیل اینکه لازمه جهاد، داشتن شجاعت است و این تعبیر از باب اطلاق اسم ملزوم بر لازم است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳۳). بنابراین، رویارویی با دشمن مسلح و پنجه در پنجه او افکندن، اراده پولادین و دل شیر می‌خواهد. در این‌گونه از شجاعت، مجاهد در راستای اراده و رضایت حق، خود را به دل لشکر دشمن می‌زند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۹). لازمه شرکت در جنگ و جهاد در راه خدا نترسیدن از دشمن است. کسی که ایمان به خدا و آخرت دارد، از رویارویی با دشمن و کشته شدن نمی‌هراسد: «قرآن هم ما را از ترس باز می‌دارد و می‌فرماید: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (آل عمران، ۱۷۵). کسی که ترس را در دل شما می‌دمد، شیطان است. شیطان چه کسی را می‌ترساند؟ انسان مؤمن را که نمی‌تواند بترساند... قدرتی را که خدا به شما سپرده، انکار نکنید و از آن استفاده کنید؛ این معنای شجاعت است. در جای دیگری می‌فرماید: «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ» (مائده، ۳). در موارد متعددی خدای متعال تأکید کرده که ترس به دل راه ندهید. اگر بنا است از کسی بترسید، از خدا بترسید که تکلیفی را برعهده شما گذاشته و بازخواست خواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹).

۴-۷. شجاعت در پذیرش حق و بیان آن

در اسلام، پذیرش حق و بیان آن بسیار مهم است. در مرتبه بیان حق، می‌توان امر به معروف را نیز در نظر داشت. پایبندی به حق در کنار توحید، از ارکان اسلام است؛ چراکه پذیرش اسلام و گفتن شهادتین از بالاترین مرتبه پذیرش حق و بیان آن است. شهید مطهری در مسئله دفاع از حق بیان می‌دارند که دو نوع دفاع وجود دارد؛ یکی دفاع از حق به معنی حقیقت، و دیگر دفاع از حق به معنی حقوق اجتماعی. آنجا که

حقایقی دارد در اجتماع پایمال می‌شود، پای امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با منکرات و ترویج و اشاعه آنچه که اسلام آن را نیک می‌شناسد، در میان می‌آید ... يك آدم ترسو که نمی‌تواند این مبارزه اجتماعی را انجام دهد (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲۲، ص ۷۹۴). مقام معظم رهبری در این مورد از شجاعت، امیرالمؤمنین (ع) که محور حق هستند را مثال می‌زنند: «شما ماجرای سبقت در اسلام آوردن آن حضرت را نگاه کنید! علی هنگامی قبول دعوت کرد که همه به دعوت پشت کرده بودند و کسی جرأت اسلام آوردن نداشت. این یک نمونه شجاعت است. البته یک حادثه را که شما در نظر می‌گیرید - مثل همین حادثه - ممکن است از ابعاد گوناگون، برای خصوصیات مختلف، مثال باشد که فعلاً از نظر شجاعانه بودن این کار به آن نگاه می‌کنیم. انسانی نوجوان در میان امواج سهمگین مخالف، محکم و استوار مثل کوه می‌ایستد و می‌گوید: «من خدا و این راه را شناخته‌ام» و برآن پافشاری می‌کند. شجاعت این است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰).

۵-۷. شجاعت در عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی

از مهم‌ترین اصول اداره امور در اندیشه و سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) اصل عدالت است. عدالت، معیار همه‌چیز است؛ به‌گونه‌ای که با آن می‌توان به اهداف حکومت اسلامی و فراهم نمودن زمینه تعالی فرد و جامعه دست پیدا کرد. ملاک و معیار بودن عدالت در اداره مردم تا بدانجا است که قوانین اجتماع باید تابع عدالت باشد تا استحقاق‌ها در همه امور رعایت شده و هرگونه تبعیض از جامعه کنار زده شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵). عدالت‌ورزیدن نیاز به شجاعت دارد. انسان‌های عادل از شجاعت و شهامت اخلاقی برخوردارند و تماشای صحنه‌های ظلم و بی‌عدالتی نیستند و همواره در برابر حرکت‌های ناروا مقاومت می‌کنند؛ زیرا جوهره آنها با عدالت عجین شده است (منصوری لاریجانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۵). مقام معظم رهبری در مورد شجاعت در عدالت‌طلبی در مسئله عقب‌نشینی خفت‌بار صهیونیست‌ها از لبنان می‌فرمایند: «این حادثه عظیم، منشأ مقایسه‌ای به‌یادماندنی میان دوگونه رفتار با دولت خشن و زورگوی صهیونیست و حامیان بی‌انصاف آن است: رفتاری از سر شجاعت و عدالت‌خواهی و متکی بر فداکاری مؤمنانه جوانان، و رفتاری از سر تسلیم و گریز و متکی بر تصمیم مستکبران» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۳/۰۴). شخص دلیر و شجاع حرف زور و عمل ظالمانه را به‌هیچ عنوان نمی‌پذیرد. در متون اسلامی، ظلم‌ستیزی بسیار اهمیت دارد؛ چنانچه در قرآن کریم یکی از اهداف بعثت انبیاء برقراری قسط و عدل و جلوگیری از بی‌عدالتی و ظلم است (حدید، ۲۵). همچنین، خدای متعال می‌فرماید: «هرکس از شما ظلم کند، عذاب شدیدی به او می‌چشانیم» (فرقان، ۱۹). مقام معظم رهبری در مورد شجاعت ظلم‌ستیزی و زیر بار ظلم نرفتن می‌فرمایند: «در قرآن می‌فرماید:

«لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹)؛ نه ظلم کنید، نه قبول ظلم کنید و زیر بار ظلم بروید. مگر ممکن است کسی مسلمان باشد، اعتقاد به اسلام داشته باشد، در عین حال ظلم و زور را از هرکسی قبول کند؛ ... در اسلام، همان قدر که ظلم کردن بد است، تسلیم ظلم شدن هم همان قدر بد است. ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی حاضر نیست زیر بار تحمیل آنان برود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۸/۱۴). «امروز بحمدالله این استقلال، این شجاعت و این ایستادگی در مقابل زورگویی استکبار جهانی، مخصوص این ملت و این کشور است. ... این هم ناشی از وعده الهی است؛ «انتم الأعلون ان كنتم مؤمنين». قرآن کریم در دو جا می‌فرماید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا» (آل عمران، ۱۳۹). «فلا تهنوا و تدعوا الى السلم» (محمد، ۳۵). هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنای کار را بر دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ اما شما که به خدا متکی هستید، قوی هستید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

۶-۷. شجاعت در فهم

عمل به حق و در مسیر حق قدم گذاشتن، فرع بر فهم درست و یا شجاعت در فهم است. گاهی انسان به دلیل تعصب به مطلب و یا انس با آن و یا به خاطر همرنگ جماعت شدن، شجاعت دریافت و پذیرش فهم جدید و درست را از دست می‌دهد. انسان‌ها عموماً خوب گوش نمی‌دهند؛ چون نمی‌خواهند از ذهنشان خارج شوند؛ زیرا بیرون آمدن از ذهن و باور خویش یعنی کل شخصیت را معلق نگه داشتن و از نو متولد شدن و این مسئله بسیار سنگین است و شجاعت، لازم دارد. لذا، در روایات به فهم درست سفارش شده است که لازمه آن، شناخت و فهم درست و شجاعانه حقیقت، بدون در نظر گرفتن مشکلات و گرفتاری‌ها و سوءظن‌ها است. «عَلَيْكُمْ بِالذِّرَايَاتِ؛ بر شما باد فهم {درست}» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱). امام علی (ع) می‌فرماید: گوش‌های دل‌هایتان را آماده کنید تا بفهمید (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷). شخص ترسو گوش دل آماده ندارد. انسانی که شجاعت و قدرت مقابله با مشکلات و مخالفت‌ها و تعصب‌ها و آرزوهای دنیوی و طمع‌هایش را ندارد، قلب و دلش آمادگی لازم برای فهم درست را نخواهد داشت. لذا، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: بیشترین لغزش خردها در هنگام درخشندگی طمع‌ها است (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹). همچنین می‌فرماید: آرزو خرد را دچار خطا می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). بنابراین، انسانی که در برابر آرزوها و طمع‌ها و عواطف و تقلید و دیگر مشکلات، دل قوی می‌دارد و با شجاعت و استقامت تمام، برای فهم حقیقت آماده می‌شود؛ قطعاً فردی ترسو و بزدل نیست؛ بلکه شجاع‌دلی است که شجاعانه پا در عرصه فهم و شناخت گذاشته است و عواقب آن را هرچه که باشد به جان خریده است. رهبر انقلاب اسلامی شجاعت در فهم در کنار شجاعت در عمل را یکی دیگر از

نیازهای کنونی جامعه و به‌ویژه خواص برشمردند و تأکید کردند: ترس از مال و جان و آبرو، ترس از جوّ و فضا، و انفعال در مقابل مخالفان نظام، موجب اختلال در فهم صحیح انسان از موضوعات می‌شود. بنابراین، در بیان موضع حق و صحیح نباید ملاحظهٔ تهمت‌ها و مسائل دیگر را کرد. ایشان خاطرنشان کردند: علت اصلی فتوحات بزرگ علمی، سیاسی و اجتماعی امام بزرگوار و جذب دل‌های مردم به‌سوی امام، شجاعت کم‌نظیر ایشان بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲). مقام معظم رهبری در جای دیگری بر این مورد از شجاعت تأکید دارند و می‌فرمایند: «ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست. اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به‌وجود خواهد آمد. ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ والا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جوّ، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود. اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند. این ترس‌ها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به‌خاطر این ترس‌ها، به‌خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمی‌فهمد؛ نمی‌تواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا، «و لا یخشون احدا الا الله» خیلی مهم است؛ در این آیه شریفه «الَّذین یبَلِّغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا»؛ معلوم می‌شود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احدا الا الله» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

۸. نتیجه‌گیری

شجاعت، فضیلت اخلاقی است که حد اعتدال بین تهوّر و جبن است و همان پردلی و قوت قلب است و ارزش آن، چنان است که خدای متعال، رسول گرامی و یارانش را به آن می‌ستاید. فضیلت شجاعت در همهٔ افراد به‌ویژه کسانی که صاحب مقام و مناصب اجتماعی و سیاسی و نظامی هستند بسیار اهمیت دارد. فهم عوامل و گونه‌های آن در تحقق این فضیلت و آثار مبارک و حیاتی آن، در انواع و حوزه‌های گوناگون بسیار مهم و با اهمیت است، زیرا باعث می‌شود منافع دنیوی و معنوی مردم و حوزه‌های تحت مدیریت ایشان در خطر قرار نگیرد و دچار خفت و ذلت نشوند و در مقابل زورگویان و جباران، از حقوق خود دفاع کنند و به‌سمت موفقیت و اعتلا با امید به آینده درخشان حرکت کنند. این مسئله در اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری نیز بسیار پررنگ و مورد تأکید است. با توجه به سخنان ایشان، فضیلت شجاعت اگر همراه با ویژگی‌ها و صفات ممدوح معنوی و الهی و روحی باشد؛ کارایی لازم خود را دارد به کمال می‌رسد. ویژگی‌هایی همچون ایمان، تعقل و تدبیر و بصیرت، خودآگاهی و پرهیزکاری. همچنین، شجاعت کامل و صحیح، علل متعددی دارد، مانند پذیرفتن اسلام، باورمندی به لطف و یاری الهی و

ترس از خدای متعال. در اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری، شجاعت دارای گونه‌هایی است مانند شجاعت در عدالت، شجاعت در صبر، شجاعت در اقدام، شجاعت در فهم. همچنین، ایشان در مورد شجاعت در صبر، بیان می‌کنند ایستادگی و مقاومت، باعث از بین رفتن خوف و ترس است.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آخوندی، مصطفی؛ الهامی‌نیا، علی اصغر؛ فرقانی، قدرت‌الله (۱۳۸۴). جهاد. قم: زمزم هدایت، ج ۱.
 آذیر، حمیدرضا؛ مظاهری، حسین؛ ابوالقاسمی، محمود (۱۳۸۳). کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی.
 تهران: ذکر، ج ۲.

ابن میثم، میثم بن علی (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر کتاب، ج ۵.
 اتابکی، پرویز؛ آیتی، عبدالمحمد؛ مدرسی، محمدتقی؛ آرام، احمد؛ شعار، جعفر (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: آستان
 قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۴.

احمدی میانجی، علی (بی‌تا). خاطرات آیت‌الله علی احمدی میانجی. قم: دفتر معظم له.
 ارسطو (۱۳۸۵). اخلاق نیکوماخوس. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: طرح نو، چاپ دوم، ج ۱.
 امین، نصرت بیگم؛ ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۶۹). اخلاق و راه سعادت. تهران: فیض کاشانی، ج ۱.
 حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۵). هزار و یک کلمه. قم: بوستان کتاب قم، ج ۲.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۷/۰۲). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/8087>
 خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸/۰۳/۰۳). بیانات در دیدار جمعی از ایشاگران و خانواده‌های شهداء. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2948>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۳/۰۳). بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36622>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۰۳/۰۴). پیام تبریک به ملت، دولت و حزب‌الله لبنان به مناسبت پیروزی بر رژیم صهیونیستی.
 قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3007>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۳/۰۶). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33198>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶/۰۴/۰۹). بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3389>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/22788>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۰۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل دسترس
 در: <https://khl.ink/f/45814>

خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰/۰۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل دسترس
 در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47991>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۰۸/۱۴). بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/9945>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۷/۱۵). *بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/8178>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۵/۱۶). *بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16889>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۶/۱۶). *بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3783>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۶/۱۶). *بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه در سال تحصیلی جدید*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/34309>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۰۳/۱۷). *بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/36775>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار مردم قم*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/3101>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۱۰/۱۹). *دیدار جمعی از مردم قم با رهبر انقلاب*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/1012>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/10832>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۱/۱۹). *بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44852>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۱۱/۲۰). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/2784>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۰۷/۲۱). *بیانات در نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/1427>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۵/۲۲). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40273>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۹/۲۲). *بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/8513>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۲/۲۳). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/41994>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۰۲/۲۴). *بیانات در دیدار مسئولان نظام*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42512>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۳/۲۵). *بیانات در دیدار مسئولان نظام*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33371>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۱۱/۳۰). *بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/2589>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۵/۳۱). *بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34109>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۰۶/۳۱). *بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/46525>

- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). *دولت آفتاب*. انتشارات دریا، چاپ چهارم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *فرهنگ متوسط دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ج ۱-۲.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه (۱۳۸۷). *عوامل پیروزی و شکست در جنگ*. تهران: مرکز تحقیقات اسلامی.
- سجادی، جعفر (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی*. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
- شمسا، محمدرضا؛ مهرورزیان، طاهره (۱۳۸۵). *خاطرات آیت الله علی آل اسحاق*. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ج ۹.
- طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۰۵ق). *تلخیص المحصل*. بیروت: دارالاضواء.
- فاضل، پندار (۱۳۹۶). تاثیر مداخله رهیاری کیفیت زندگی بر شجاعت روانشناختی و خودتعیین‌گری. *روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، شماره ۱، ص ۸۹-۱۰۹.
- کراجکی، محمد بن علی؛ نعمه، عبدالله (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. قم: دار الذخائر، ج ۲.
- مرتضوی، ضیاء (۱۴۰۰). *دانشنامه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴.
- مطهری مرتضی (۱۳۹۵). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا، ج ۲۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *یادداشت‌های استاد مطهری*. تهران: صدرا، ج ۱۳.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (بی تا). *منشور عدالت*. تهران: مهدی القرآن، ج ۱.
- نقیسی، علی اکبر؛ فروغی، محمدعلی (بی تا). *فرهنگ نقیسی*. تهران: خیام، ج ۳.